

پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران

دوره ۷، شماره ۱

بهار و تابستان ۱۳۹۶، صص ۹۷-۱۱۶

پدیدارشناسی زندگی روزمره با تأکید بر حوزه خصوصی در شهر دزفول

نسیم خواجه‌زاده^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۲/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۱۴

چکیده

حوزه خصوصی و حوزه عمومی در سبک زندگی رابطه دیالکتیکی با هم دارند که بسته شدن یکی به گسترش دیگری می‌انجامد. در تنگناهای حوزه عمومی، حوزه خصوصی در پی راه‌حل است. در جامعه امروز ایران حوزه خصوصی رشد بسیاری داشته است. پژوهش حاضر در جست‌وجو و بررسی سبک‌های نوینی از زندگی است که در چنین فضایی شکل گرفته‌اند. مکان این پژوهش دزفول و روش آن کیفی بر مبنای پدیدارشناسی هرمنوتیک است. داده‌های میدانی از راه مصاحبه عمیق و نمونه‌گیری هدفمند و با توجه به تجربه زیسته اطلاع‌رسانان گردآوری شده است. در بخش نظری با هدایت میدان از نظریه تلفیقی بر اساس اندیشه‌های فیسک، دوسرتو، لوفبور، بوردیو، کلارک، هبیدیچ، گیدنز و ... بهره برده شده است و با این نظریه تلفیقی سبک‌های نو در زندگی روزمره تحلیل شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که با کم‌رنگ شدن حوزه عمومی، افراد به حوزه خصوصی پناه می‌برند و سبک‌های جدیدی ایجاد می‌کنند و به این ترتیب حوزه خصوصی رشد می‌کند. کنشگران اجتماعی با سرمایه اقتصادی و سرمایه فرهنگی خویش را متمایز و در عرصه‌های مختلف زندگی خود بازنمایشی می‌کنند، گسترش حوزه خصوصی به خودآفرینی می‌انجامد، به بیان دیگر سبک زندگی نوعی مقاومت در برابر نظم مسلط است. گسترش حوزه خصوصی دلالت سیاسی دارد و نوعی نشانگان است که چون درمان عمل می‌کند. زندگی روزمره بستر معنایی است و کنشگران در زندگی روزمره از روش‌های خاصی برای خلق معنا و موقعیت‌های جدید بهره می‌گیرند.

کلیدواژه‌گان: پدیدارشناسی هرمنوتیک، حوزه خصوصی، حوزه عمومی، زندگی روزمره، سبک زندگی، نشانگان.

مقدمه و بیان مسئله

از مطالعه سبک زندگی در جامعه‌ی ایرانی چنین برمی‌آید که سبک زندگی به دوپاره حوزه خصوصی و حوزه عمومی تقسیم شده است. گسترش حوزه خصوصی گرچه پدیده‌ای نو به شمار می‌آید، اما نمونه‌های تاریخی نیز برای آن وجود دارد. پس از حمله اسکندر به دولت‌شهرهای یونان (رنو، ۲۰۰۱: ۴۷-۵۱) در اندیشه‌های نظری نگاه را از ابژه به سمت سوژه تغییر کرد. تأثیر حقارت و شکست بر روح آلمانی منجر به پیدایش اندیشه‌های رمانتیسم در آلمان شد که در هنگامه شکست سیاسی، خواستار آرامش درونی بود (برلین، ۱۳۸۵: ۷۰-۷۲). مشابه این امر در ایران در دوره سلجوقیان (حکومت بیگانگان بر ایران) رخ می‌دهد. در این دوره روشن‌فکران اجتماعی دربار سامانی سبک جدیدی از معناسازی را ایجاد کردند که همان تصوف بود. شعر عرفانی دوره ایلخانی در اوج حمله مغول با خلوت‌گزینی و ستایش چشم و ابروی یار خویش و پنهانی باده خوردن و رطل گران برداشتن^۱ به دنبال آرامش در آن زمانه سخت بود. در شرایط کنونی کشور ما نیز سبک‌های زندگی نوینی پدید آمده است. منظور از سبک زندگی راه‌های گوناگون زندگی فردی یا گروهی است که دربردارنده الگوها، اعتقادات، سلیقه‌ها، ارزش‌ها و هنجارهایی است که فرد در زندگی روزمره به کار می‌برد که درعین‌حال نمایانگر هویت شخصی، گروهی و اجتماعی اوست (چنی، ۲۰۰۲: ۱۱).

اوضاع اجتماعی ده ساله در کشور ایران باعث شکل‌گیری سبک‌های زندگی جدیدی شده است که زنان و نسل جوان از عمده کارگزاران اجتماعی آن هستند. فرآیند تغییر سبک زندگی از طریق پویایی درونی شبکه روابط و از طریق تغییرات معینی که در وابستگی‌های متقابل افراد اتفاق می‌افتد ادامه پیدا می‌کند. (جلایی پور و محمدی ۱۳۸۷: ۴۲۱). سبک‌های زندگی جدیدی وجود دارد که جامعه ظرفیت تحمل آن‌ها را ندارد اما صرف ممنوع دانستن این سبک‌ها و عدم مدیریت آن‌ها، جرم‌زا شدن این سبک‌ها را به دنبال خواهد داشت و غیرقانونی شدن یک کنش، راه و روشی است که درنهایت می‌تواند باعث تندرو شدن افراد شود (فکوهی، ۱۳۹۱). از سویی احساس ناامنی در تجربه زنان از زندگی روزمره در فضاهای شهری وجود دارد (اباذری و دیگران، ۱۳۸۷: ۷۵). در فضای عمومی جامعه ویژگی‌های ساختاری وجود دارد که برای زنان آسیب‌زا و آزاردهنده است و فضای عمومی را برای زنان ناایمن می‌کند (قاضی‌نژاد و شاکری، ۱۳۹۱: ۱۸۱).

در جامعه‌ای که همه سبک‌های زندگی فرصت بروز و ظهور در عرصه عمومی را ندارند و گاه غیرقانونی قلمداد می‌شوند، بسیاری از این سبک‌ها زیرزمینی می‌شوند و ناچار در عرصه خصوصی مجالی برای حضور خود می‌یابند. وقتی هنجارها و ارزش‌های اجتماعی سخت می‌شوند و مقررات حوزه عمومی را بسته می‌کنند، کنشگران در اعتراض به حوزه

^۱ - من و هم صحبتی اهل ریا دورم باد/ از گرانان جهان رطل گران ما را بس یا قصر فردوس به پاداش عمل می‌بخشند/ ما که رندیم و گدا دیر مغان ما را بس (حافظ، ۱۳۶۲: ۱۸۴)

عمومی تنظیم شده و مدیریت شده به حوزه خصوصی پناه می‌برند. حوزه عمومی میانجی حوزه خصوصی و دولت است و فضایی است حقیقی یا مجازی که افراد آزادانه در آن گرد هم می‌آیند و فارغ از دخالت قدرت و جزم‌اندیشی و ارزش‌ها، به بحث و گفت‌وگوی عقلانی درباره مسائل مورد علاقه می‌پردازند (هاپرماس، ۱۹۹۶: ۳۷). در مقابل حوزه خصوصی به اعتقاد آرت، حوزه تلاش معاش و محل پنهان ماندن برخی علایق مانند عشق و رشد فعالیت‌های غیرسیاسی بشر و جایی است که در آن حقوق شخصی و آزادی و استقلال اولویت و مرکزیت دارند (انصاری، ۱۳۷۹: ۷۶-۷۷). در جامعه‌ی ما جایگاه حریم خصوصی در ارتباط با دولت و فرد روشن نیست و حدود مداخله دولت در حریم خصوصی گسترده است (خاتم، ۱۳۸۶: ۳۶). زندگی روزمره علاوه بر اینکه بستر اعمال قدرت در جامعه است توانایی‌هایی برای عمل‌رهایی‌بخش و خلاقیت و استقلال سوژه فراهم می‌کند (عنایت و سروش، ۱۳۸۸: ۸۵). دوگانه‌های نظری چون خصوصی و عمومی، مفاهیمی سیال و نسبی هستند و دوگانه‌هایی مطلق و ثابت نیستند، اما این عدم قطعیت بدان معنی نیست که نمی‌توانیم برای روشن شدن بحث از آن‌ها استفاده کنیم.

در جامعه معاصر ایران درحالی‌که طبقه‌ی متوسط رشد کرده است، حوزه عمومی وجود ندارد که حائل میان طبقه متوسط و قدرت باشد تا در مقابل هجوم قدرت سیاسی از حوزه خصوصی دفاع کند؛ اما همین حوزه خصوصی نقشی جبران‌کننده^۱ و جایگزین برای بسیاری از کارکردهای حوزه‌ی عمومی می‌یابد تا کنشگران اجتماع، آنچه در حوزه عمومی از آن‌ها دریغ شده است به شکلی دیگر در حوزه خصوصی دنبال کنند و دست به خودآفرینی بزنند (رورتی، ۱۳۸۵: ۱۵۷). انسان در پاسخ به واقعیت تلخ بیرونی، ذهنیت و درون را بر عینیت و بیرون ترجیح می‌دهد و به درون خویش رانده خواهد شد (هگل، ۱۳۹۰: ۵۹). سبک‌های زندگی همچون امری سیاسی و بخشی از امر سیاسی است.

جامعه مورد پژوهش

پژوهش حاضر در شهر دزفول و با تمرکز بر روی محافل غیررسمی در این شهر انجام شده است. دزفول در جنوب غربی ایران و در کنار رودخانه دز و دامنه‌های زاگرس میانی جای دارد و جمعیت آن ۴۴۳،۹۷۱ نفر است (سرشماری، ۱۳۹۵). شهرهای کوچکی چون دزفول نسبت به شهرهای بزرگ با محدودیت‌های مضاعفی در امکانات تفریحی، فضای تنگ اجتماعی و فشار نقش روبه‌رو هستند. هدف تحقیق حاضر آن است که دگردیسی سبک زندگی شهری دزفول را بررسی کند.

دزفول از یک‌سو به واسطه تاریخ دینی خویش از جریان‌های فقهی، صوفیانه و عرفانی متأثر است و از سوی دیگر به واسطه رشد طبقه متوسط و گسترش دانشگاه‌ها و مراکز

^۱ جبران به عنوان یک استراتژی در روان‌شناسی مطرح است که ناکارایی در یک حوزه زندگی را با برتری در حوزه دیگری پوشش می‌دهد.

علمی مختلف با دنیای مدرن پیوند دارد. دزفول در میانه این دوگانه قرار دارد که یکی هسته سخت مناسک‌گرایی دینی است و دیگری زیستگاه طبقه متوسطی است که خود می‌تواند سبب گسترش حوزه خصوصی شود. مشاهده پژوهشگر نیز نشان می‌دهد که در چندساله اخیر محافل خصوصی و گروه‌های غیررسمی در دزفول رشد کرده‌اند، بسیاری از باغ‌های بی‌حصار شهر به مکان‌های تفریحی خصوصی با استخر و دیوارهای بلند تبدیل شده‌اند. پژوهش بنا دارد تا با تمرکز بر روی این محافل و تجربه زیسته افراد فعال شدن حوزه خصوصی در سبک زندگی نوین را در برابر سلطه موجود بازنمایی کند. محفل خانگی انگلیسی خوانی قرآن زنان، محفل خانگی شعر زنان، محفل خانگی مذهبی، محفل کتاب‌خوانی و ترجمه در یکی از کتاب‌فروشی‌ها و جمع‌های ورزشی و تفریحی نمونه این محافل هستند.

چارچوب نظری

با هدایت داده‌های میدانی و رفت‌وبرگشت بین میدان و نظریه، به نظریه تلفیقی رسیدیم که در دنیای جدید سبک زندگی به گونه‌ای «بازاندیشانه، توسط کنشگران و با توجه به ساختارهای موجود انتخاب می‌شود» (گیدنز، ۱۳۸۸: ۱۲۰) و آن‌ها با سرمایه فرهنگی و اقتصادی تمایز خود را به رخ می‌کشند (بوردیو، ۱۳۹۰: ۸۷) اما در جامعه‌ای که برای آزادی اجتماع‌ها و انجمن‌ها و آزادی بیان و وجود باشگاه‌ها و حوزه عمومی و گفتمان انتقادی و عقلانی پویا تضمینی نباشد (هابرماس، ۱۹۹۱). نیاز به «معنایی» و «بازتعریف معنا» کنشگران اجتماعی را به دنیای درون و حوزه خصوصی می‌کشاند (فرانکل، ۱۳۸۴: ۳۶-۳۷). حریم خصوصی عرصه اعتراضی است و با مصرف دیگرگونه در آن، تولید ثانوی شکل می‌گیرد و می‌توان با «تاکتیک‌های گوناگون در جنگ پارتیزانی زندگی روزمره» (دوسرتو، ۱۹۸۸) نظام‌های قدرت متمرکز را از درون خراب کرد (موران، ۲۰۰۵: ۱۰) تا به گفته فیسک با مقاومت نشانه‌شناختی و مقاومت‌گریز و مقاومت در رفتار مصرفی، ماهیت ترقی‌خواهانه فرهنگ عامه نمایش داده می‌شود (لافی، ۲۰۰۷: ۱۷۱). مقاومت در زندگی روزمره هم با کسب لذت انجام می‌گیرد و هم با معناسازی (استوری، ۱۳۸۶: ۳-۱۸۲). در این معنا نه تنها خرید و رفتار مصرفی، به عنوان عرصه کلیدی کشمکش به شمار می‌آید (فیسک، ۱۹۸۹: ۳۰۷)، بلکه حفظ یک شی یا سنت قدیمی نیز نوعی مقاومت است. رفتارهای روزمره دارای بعدی سیاسی می‌شوند. مقاومت مصرف‌کننده هم با تولید معانی متضاد از آنچه نظم حاکم درصدد القای آن است، حاصل می‌شود و هم با لغو و کنار گذاشتن هرگونه معنایی به نفع بهره‌گیری از لذت (استوری، ۱۳۸۶: ۸۲-۸۳) که گاه مغایر با هدف تولیدکننده‌اند. در واقع مصرف‌کنندگان با راهکار کنار هم گذاشتن موضوعات، مصرف خود را تبدیل به فعالیتی معنادار می‌کند (بارکر، ۲۰۰۴: ۱۷؛ هبدایچ، ۱۹۷۹: ۱۰۱؛ کلارک، ۱۹۷۶: ۱۷۷). کنشگر

«خطوط تفکیک» را کنار می‌گذارد و «قلمرو زدایی» می‌کند (دی کارسن، ۱۳۸۵: ۱۲۸) تا از تنگنای حوزه عمومی بگذرد. گسترش حوزه خصوصی در جامعه ما هم نشانگان^۱ است و هم بخشی از فرایند درمان. به تعبیری آزمون گونه‌های زیستن می‌تواند در درازمدت حوزه عمومی فرهنگی و سیاسی را تحت تأثیر قرار دهد.

پرسش‌های پژوهش

۱. آیا پیدایی سبک‌های نوین زندگی با کم‌رنگ شدن حوزه عمومی و نوعی نیاز به تأمل در درون با پناه بردن به حوزه‌ی خصوصی همراه است؟
۲. آیا تنگنای حوزه‌ی عمومی سبب پیدایی سبک‌های نوین زندگی و تبلور حوزه خصوصی می‌شود؟
۳. آیا کنشگران اجتماعی در زندگی روزمره از روش‌های خاصی بهره می‌گیرند؟

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر کیفی و از نوع پدیدارشناسی هرمنوتیک است که پدیده اجتماعی را به عنوان برساخته اجتماعی می‌بیند (ساندرس، ۲۰۰۷: ۵۹۷) و برای بررسی تجربه زیسته افراد انتخاب شده است. با نمونه‌گیری هدفمند برای گردآوری داده‌ها از مصاحبه‌های عمیق فردی با مدت زمان یک ساعت و نیم تا دو ساعت و نیم ساعت بهره گرفته شده است. در این پژوهش محفل‌های خصوصی بسیار اهمیت داشتند بنابراین با حضور در آن‌ها ضروری بود. اطلاع‌رسان‌ها نیز کسانی بودند که در این محافل شرکت می‌کردند. برخی اطلاع‌رسان‌ها محفل‌های دیگری را معرفی کردند. محفل‌های انگلیسی‌خوانی قرآن زنان، شعر زنان، کتاب‌خوانی و جمع‌های ورزشی، تفریحی و مذهبی نمونه‌هایی از محافل غیررسمی و خانگی بودند که در طول ۶ ماه با شرکت در آن‌ها مصاحبه‌ها انجام شد. در مصاحبه‌سی و هفتم اشباع داده‌ها و تکرار حاصل شد. از روش دیکلمن و همکاران (۱۹۸۹) برای تجزیه و تحلیل اطلاعات استفاده شده است. در مجموع یافته‌های این تحقیق به ۱۴ درون‌مایه اصلی تقسیم شده که هر یک زیرشاخه‌هایی نیز دارند. درون‌مایه‌ها بر اساس نظریه‌های پژوهش در رفت‌وبرگشت نظریه و میدان به‌دست آمده‌اند.

یافته‌های پژوهش

مقاومت در برابر نظم مسلط با کسب لذت

کسب لذت نوعی مقاومت است که می‌تواند نظم مسلط را به چالش بخواند. گاه تولید لذت از تقابل برخی معانی و قدرت موجود ناشی می‌شود که می‌تواند به استقلال در ساختار اجتماعی موجود برسد.

^۱symptom

مسافرت و تفریح یکی از اشکال مقاومت است. در سال‌های اخیر گردش، مسافرت و تفریح در سبک زندگی افراد رشد کرده است. افراد در فراغت در تقابل با نظم بیرونی، با دوری جستن از هرگونه معنایی، با کسب لذت مقاومت خود را نشان می‌دهند. «مردم از واقعیت فرار می‌کنند مسافرت باعث میشه پای اخبار نشینی، دور شوی، ورزش، پیاده‌روی، کنار آب رفتن همه برای در رفتنه» (زن، ۵۲، ساله)

شکل دیگری از مقاومت تولید ثانوی با خرید است. مصرف‌کنندگان کالاها را کامل می‌کنند. خرید عنصر مهم زندگی امروزی است که تنها کارکرد رفع نیازهای زیستی را ندارد. «همیشه پول ندارم، وقتی می‌افتم تو خرج کردن، بدجور خرج می‌کنم، تهران رفتن برایم لذت بخش است، خرج می‌کنیم، خوش می‌گذره، رستوران، مراکز خوب بازی برای پسر» (زن، ۲۹، ساله، با مدرک کارشناسی ارشد)

کسب لذت به راه‌های مختلف گونه‌ای مقاومت در برابر نظم مسلط است. کنشگران در پی لذت‌جویی هستند. نظریه زندگی روزمره فیسک نیز به مفهوم لذت در تقابل با نظم مسلط اشاره دارد (۱۹۸۹: ۳۰۷).

مقاومت در برابر نظم مسلط با چهل‌تکه‌سازی در مصرف فرهنگی

استفاده دگرگونه از عناصر پیشین در ترکیبی نو و چهل‌تکه‌سازی راهی برای کنار آمدن با شرایط و هضم عناصر نخواستنی است، تغییر چیدمان گاه به نوآفرینی هم می‌انجامد. چهل‌تکه‌سازی در پوشش روشی برای مقاومت است. گاه پوشش افراد را در موقعیت‌های مختلف دچار سردرگمی می‌کند اما کنشگران اجتماعی با بازآرایی و چینی نو می‌توانند معنایی دیگر بیافرینند.

«توی دانشگاه موقع تدریس هم با چادر هستم. خیلی از همکارها در میارن ولی من راحت‌ترم که باشه. چادرم لبنانی است که اون تفاوت هنوز وجود داشته باشه، کنار دریا با دانشگاه و مهمونی خیلی تفاوت دارم ولی مشکلی ندارم کلاً با محیط انطباق پیدا می‌کنم. البته دانشجویهام با وجود اینکه تو کلاس چادر سرمه می‌دونن که استادشون قرتیئه» (زن، ۲۹، ساله، با مدرک کارشناسی ارشد)

چهل‌تکه‌سازی در مصرف فضای کافی شاپ‌ها و فست فودها با امکان تجربه رفتارهای نو موقعیت مقاومت را فراهم می‌کنند. این فضاها فقط مکانی برای صرف غذا نیستند، بلکه آزمون سبک زیستی است که مطابق با سبک زندگی رسمی نیست. «فضای فست فودی مدرن‌تر و متفاوت‌تر از جامعه است، دیدن آدم‌هایی که فاصله گرفتن از زندگی سنتی و گسست ایجاد کردن با آن. اینکه چند تا دختر دوره‌هم می‌شینن و اونجا هم می‌بینن درحالی که مادران آن‌ها در روزه همدیگر رو می‌بینن. چهار، پنج دختر... به کافی‌شاپ پناه میارن که شکل جدیدی زندگی را نشان میده» (مرد، ۲۲، ساله، دانشجو).

«کارکرد پیتزا با ساندویچ فرق دارد، ۱ ساعت طول می‌کشد، در گذشته ساندویچ‌فروشی‌ها دکه‌هایی بودند که رُفک^۱ بود. سس‌ها هم چیده بودند. سرپا ساندویچ‌چمان را می‌خوردیم. معدود ساندویچی پیدا می‌شد که صندلی داشته باشد، خیلی هم نادر بود که جوانی با خانمش بیاید، اما پیتزافروشی فقط کارکرد غذایی ندارد، کارکرد ارتباط و قول و قرار دارد. موسیقی موجود و سبک غذایی غربی و غیر سنتی است، غذاها و منوها لاتین هستند، که من باید بپرسم یعنی چی؟ روابط آزادتری است که در فضاهای دیگر منع می‌شود» (مرد، ۴۵ ساله، با مدرک کارشناسی ارشد).

درون‌مایه دوم به چهل‌تکه‌سازی و سرهم‌بندی اشاره دارد، به این ترتیب مصرف به گونه‌ای تولید بدل می‌شود. نظریه‌ی سبک‌های خرده‌فرهنگی هب‌دیچ و کلارک نیز به مفهوم چهل‌تکه‌سازی اشاره دارد (هب‌دیچ، ۱۹۷۹: ۱۰۱؛ کلارک، ۱۹۷۶: ۱۷۷).

مقاومت با زندگی ریزوم‌وار و خلاقیت اسکیزوفرنیک

خاصیت زندگی ریزوم‌وار ادامه زندگی در جهات دیگر است، ریزوم برخلاف درخت حتی اگر تماماً شکسته یا ازهم‌گسسته شود باز هم می‌تواند حیات خود را از سر بگیرد و در جهات دیگری رشد کند.

کنشگران در واکنش به نظم مسلط و دنیای نامطلوب بیرونی، دست به آفرینش دنیای کوچک خود می‌زنند. آن‌ها در این فضای کوچک خودساخته گونه‌ای از رهایی را تجربه می‌کنند. «من این دنیا و قراردادهای اجتماعی را قبول ندارم، نگاه و دنیای خودم را دارم. از طریق هنر خودم دنیای خودم را خلق می‌کنم و نفس می‌کشم. فضایی برای نفس کشیدن که باعث تجربه آزادی می‌شود، این تجربه آزادی شعر ایجاد می‌کند» (مرد، ۳۰ ساله، با مدرک ارشد)

ماشین محافظه‌ای امن است که با آن دنیای بیرون را نیز می‌توان دید. کنشگر با حریم و پبله خود وارد جامعه می‌شود و با زیردریایی ایمن خود در اعماق خطرآفرین دریا حرکت می‌کند. «دیروز یکی تو رانندگی بدوبیراه گفت، شیشه رو بردم بالا، کولر رو روشن کردم و موسیقی شماره ۵ بتهوون رو گوش دادم» (مرد، ۴۰ ساله، با مدرک دکتری)

در بطن گفتگو نوعی پالایش وجود دارد، افراد در گفتگو خود را به نمایش می‌گذارند و به جرح و تعدیل شخصیت خود می‌پردازند، گفتگو جنبه‌ای از درمان و مداری اجتماعی دارد. «حرف زدن و معاشرت مهم است، در حرف زدن روایت‌های روزانه از منظر هر کس جالبه، ابعاد جدیدی از قضیه رو میشه، در طرز فکر اثر می‌گذاره. کسی که در روایتش به

^۱ در لهجه دزفولی به رف گویند.

جزئیات می‌پردازد روی من که کلی نگاه می‌کنم مؤثر که من چرا به این بعد نگاه نکردم» (زن، ۲۹، ساله، با مدرک ارشد).

دنیای مجازی و واسطه‌های ارتباطی چون تلفن در حوزه خصوصی نقشی ویژه دارند. «یه دوست صمیمی دارم که روزانه حتماً یکی دو بار با هم حرف می‌زنیم، تقریباً از همه چیز هم خبر داریم، شاید اصلاً حرف زدنمون با هم باعث میشه تو زندگی دووم بیاریم، وقتی با هم حرف می‌زنیم سبک میشیم، تو بحران‌ها کنار همیم، اون تهرانه» (زن، ۳۰، ساله، با مدرک ارشد).

مطابق دیدگاه دلوز و گاتاری (۱۹۸۷) در دنیای مدرن نوعی زندگی ریزوم وار وجود دارد که هویتی مرکزگرای دارد و به هر سو سرک می‌کشد و نوعی خلاقیت اسکیزوفرنیک را سبب می‌شود.

نقش هنر در بازنمایی تناقض‌های زندگی روزمره و مقاومت

هنر در حوزه‌های متنوع خود می‌تواند مفاهیم اعتراضی داشته باشد. موسیقی و فیلم چه هنگامی که با تعلیق معنا و لذت‌جویی همراهاند و چه هنگامی که معنا و مفهوم اعتراضی دارند، با نظم مسلط در تقابل‌اند.

موسیقی عرصه مهمی است که کنشگران اعتراض خود را با آن بیان می‌کنند و گاه با انتخاب مصرف موسیقی، خط فکری خود را به رخ می‌کشند و به نظم مسلط نه می‌گویند.

«به بخشی از موسیقی سنتی ایرانی علاقه‌مندم مثل بنان و شجریان پسر، نامجو را خیلی حال می‌کنم هرچند الان خیلی‌ها ازش برگشته‌اند اما من همچنان حال می‌کنم. اینکه نامجو کلام سیاسی اجتماعی را چگونه ادا می‌کنه برام مهمه. قواعد مرسوم زبان فارسی را به چالش می‌کشد. حالا نامجو هم شعر براهنی را به چالش می‌کشد. موسیقی غربی بیشتر ریتمش برام مهم است. فرهاد هم جز خواننده‌های مورد علاقه من است» (مرد، ۲۲، ساله، دانشجو)

سریال‌ها و فیلم‌های ماهواره‌ای دربردارنده هنجارها و ارزش‌های است که گاه در تقابل با ارزش‌های مسلط اجتماعی است و باعث بریدگی هرچه بیشتر کنشگر از واقعیت اجتماعی جامعه می‌شود و هم‌زمان گونه‌ای مقاومت نیز هست. «این سریال‌ها تابوشکنی می‌کنن از جرمی مثل خیانت که مجازاتش مرگ بود. این سریال‌ها مبتدل هستند، معرفتی درشون نیست ولی واجد عنصری هستن که دیده نمیشه، عنصر تأیید زندگی در اونا وجود داره» (مرد، ۴۰، ساله، با مدرک دکتری)

در نظریه قدسی وحشی رژه باستید، هنگامی که قوانین سخت و خشک می‌شوند، فرد راهی برای فراتر رفتن از آن‌ها و بیان اعتراض می‌یابد (پل ویلم، ۱۳۷۷: ۵۲). در نظریه لوفبور هنر راهی برای بازنمایی تناقض در زندگی روزمره است (لوفبور، ۱۹۹۱).

ترجیح ذهنیت بر عینیت

ذهنیت و عینیت توابعی از هم‌اند و اندیشه آدم‌ها تابعی از وضعیت اجتماعی و قدرت است، در این معنا بین سبک زندگی و قدرت رابطه دیالکتیکی برقرار است و در تنگنای محیط بیرونی سبک زندگی به حوزه خصوصی متمایل می‌شود.

فرار از دنیای بیرون و پناه گرفتن در دنیای درون و تنهایی، خلوت، حریم خصوصی در لابه‌لای کلام مصاحبه‌شوندگان نهفته بود. «اگر آرامشی آنجاست به این دلیل است که دیگری مزاحم نمی‌شود. من که یک موسیقی‌دان بزرگ یا نویسنده بزرگ نیستم که در تنهایی اثر بزرگ خلق کنم بیشتر یک واکنش نسبت به واقعیت اجتماعی است» (مرد، ۲۲ ساله، دانشجو)

امنیت و آرامش در حوزه خصوصی در برابر محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های جامعه بیرونی باعث می‌شود انتخاب اول کنشگران اجتماعی فضای خصوصی باشد. «برنامه‌ی زندگی‌ام فرار از بیرون و پناه آوردن به خانه است، زود کار بیرون را حل کنم و به خانه برگردم، خواب خوبی برم، کتاب بخونم و با دوستانم از طریق جلسه و فیس‌بوک باشم» (مرد، ۴۰ ساله، با مدرک دکتری)

کاوش تجربه زیسته مصاحبه‌شوندگان تأییدی بر مفاهیم بیرون‌آمده از نظریه ایده‌آلیسم هگل و ترجیح ذهنیت بر عینیت است (هگل، ۱۳۹۰: ۵۹).

گسترش حوزه خصوصی به عنوان یک نشانه

گسترش حوزه خصوصی نشانه‌دردی است که در جامعه وجود دارد و به نوعی فرایند درمان را نیز در خود دارد چراکه حوزه خصوصی جبرانی بر حوزه عمومی است.

برخی زنان اطلاع‌رسان از موقعیت زن در جامعه ناخشنود بودند. زنان حوزه خصوصی را محل امنی می‌دانند که با کمک آن از تهدیدهای جامعه مصون می‌مانند و ترس کمتری را تجربه می‌کنند. «من وقتی با شوهرم هستم مردای همسایه بهم سلام می‌کنن وقتی تنهام سلام نمی‌کنن، البته مناطق مختلف فرق می‌کنه» (زن، ۲۶ ساله، با مدرک کارشناسی ارشد). اطلاع‌رسانان از حضور نیرویی یاد می‌کردند که حس امنیت و آرامش را مختل و همواره در کارشان دخالت می‌کرد و از آن‌ها می‌خواست مطابق خواست او رفتار کنند. «سیگار بکشی، بت میگن چرا می‌کشی، حسی که همه دارن اینکه همه دارن نکات می‌کنن» (مرد، ۴۰ ساله، با مدرک دکتری).

گسترش حوزه خصوصی در سبک زندگی جدید نوعی علامت نشانگان است.

دلالت سیاسی داشتن فعالیت حوزه خصوصی

سرخوردگی کنشگران اجتماعی از حوزه عمومی و عدم اطمینان به تأثیرگذار بودن در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و تصمیم‌گیری‌ها آن‌ها را به حاشیه می‌راند. نگرانی فرهنگی

کنشگران گاه به سیاست‌گذاری‌های فرهنگی و گاه به فرهنگ عمومی کوچه و بازار و تعاملات روزمره مردم بازمی‌گردد.

احساس فقدان امنیت اجتماعی از دیگر ابعاد سرخوردگی از حوزه عمومی است که از صحبت‌های اطلاع‌رسانان برداشت می‌شد. «امنیت روحی فردی پایین آمده، آمار دزدی بالا رفته، چیز خاصی همراه ندارم معمولاً پول تو جیبم نمی‌دارم، یک گوشی و هندزفری و گاهی کتابی، اما موقع راه رفتن در خیابان احساس ناامنی می‌کنم» (مرد، ۲۲ ساله، دانشجو). اطلاع‌رسانان نگرانی‌های عمده‌ای درباره‌ی اوضاع اقتصادی داشتند. «احساس امنیت ندارم، امنیت اقتصادی نداریم. وسط ماه کم می‌اریم» (زن، ۳۲ ساله، با مدرک دکتری). تجربه زیسته کنشگران اجتماعی نشان می‌دهد که فعالیت در حوزه خصوصی نوعی دلالت سیاسی دارد و نگرانی در امور فرهنگی و فقدان امنیت اقتصادی- اجتماعی افراد را به این حوزه می‌کشاند.

خودآفرینی؛ اصالت یافتن مکان‌های غیررسمی

گرچه مسیر حوزه عمومی بر روی کنشگران مسدود شده است اما کنشگران اجتماعی در حوزه خصوصی دست به خلق و آفرینندگی می‌زنند تا در این میانه خود را بیابند و با خلاقیت خویش به سوی خودآفرینی گام بردارند.

حلقه‌هایی در خانه‌ها و برخی پاتوق‌های غیررسمی شکل می‌گیرد که معمولاً در آغاز مردانه‌اند؛ اما زنان به تدریج در آن رخنه می‌کنند. «در منزلمان حلقه‌های بحثی تشکیل می‌شود یا حلقه‌هایی که شعر می‌خوانند، شعرهای دزفولی، شعر نظامی... یکی ویولن می‌زد یکی سه‌تار می‌زد» (زن، ۵۴ ساله، با مدرک کارشناسی)

شکل‌گیری محفل‌های اندیشه‌محور هم‌فکر در حوزه خصوصی باعث می‌شود کنشگران با شرایط اجتماعی راحت‌تر کنار آیند و با طرح اندیشه‌های خود در فضایی که مجال بر شنیدنش هست، به خلاقیت و آفرینش برسند. «وقتی جمع هم‌فکر داشته باشیم شرایط موجود قابل‌تحمل‌تر می‌شود. با بچه‌ها در کتاب‌فروشی قرار می‌ذاریم و راجع به کتاب‌های جدید حرف می‌زنیم، هم بچه‌های ادبیات هم فلسفه، زبان و ... متنوع‌اند رشته‌ها، منم که مکانیکم» (مرد، ۲۹ ساله، با مدرک کارشناسی).

راهکار ابداعی کنشگران در بن‌بست حوزه عمومی بازآفرینی ماکتی از حوزه عمومی درون حوزه خصوصی است. ایجاد فضای گفتگوی آزاد و نقادانه یکی از کارکردهای مهم حوزه عمومی است که کنشگران اجتماعی در خانه‌های خود آن را بر پا می‌کنند. «ما تقریباً دو سه هفته‌ای یک‌بار جلسه‌ی انتقادی با هم در منزل داریم که بسیار مفید هست و باعث رشد و تربیت معنوی‌مان میشه. مخصوص بچه‌هام و خودم و همسرمه. از رفتار اجتماعی گرفته تا ریزترین مسائل حتی طرز غذا خوردن رو به هم تذکر میدیم» (زن، ۴۵ ساله، با مدرک کارشناسی ارشد).

اصالت یافتن مکان‌های غیررسمی و خودآفرینی کنشگران اجتماعی در حوزه خصوصی به این مفهوم است که کنشگران اجتماعی با آفرینش در حوزه خصوصی فقدان حوزه عمومی را جبران می‌کنند (رورتی، ۱۳۸۵: ۲۳-۲۴).

تمایز

از نظر بوردیو «موقعیت‌های اجتماعی» و «فضاوت‌های ذوقی» به یکدیگر مرتبط‌اند. طبقه و موقعیت اجتماعی به سلیقه شکل می‌دهد. ما با یک نوع سلیقه عام و همه‌شمول روبه‌رو نیستیم بلکه با انواعی از سلیقه‌ها و ذوق‌های «تمایز» در جامعه‌ای طبقاتی سروکار داریم. اطلاع‌رسانانی که سرمایه فرهنگی و مدرک تحصیلی بالاتری به نسبت سایر مصاحبه‌شوندگان داشتند، به دلیل احساس تمایز با دیگران، در تفریح و تماشای تلویزیون مسیری متفاوت از دیگران انتخاب می‌کردند و به بعد سرمایه اقتصادی در ایجاد تمایز اشاره نمی‌کردند. «خوش‌گذرانی خاصی ندارم، که هم به فضای اجتماعی برمی‌گردد و هم‌سنگ روحی. احساس علاقه به متفاوت بودن هم هست. دوست دارم یک خرده متفاوت از دیگران باشم، مثلاً اگر همه از کنار رودخانه رفتن و شنا کردن حال می‌کنند من ژست بگیرم که خیلی خوشم نمی‌آید» (مرد، ۲۲ ساله، دانشجو)

دارایی‌های اقتصادی به سرعت تمایز فرد با دیگران را نشان می‌دهد. بسیاری از کنشگران خود را به زحمت می‌اندازند تا بتوانند سرمایه اقتصادی خود را به رخ بکشند. «دوست دارم تفاوتم رو نشون بدم، تغییر سطح رو نشان بدم، وقتی می‌پرسن این رو از کجا گرفتی؟ چی کار کردی؟ احساس خوبی بهم می‌ده» (زن، ۲۹ ساله، با مدرک کارشناسی ارشد).

تمایز در اندیشه بوردیو با سرمایه‌های اقتصادی و فرهنگی ممکن می‌شود. کاوش تجربه زیسته شرکت‌کنندگان نیز نشان داد که آن‌ها به وسیله نمایش سرمایه‌های فرهنگی و اقتصادی خود را متمایز می‌کنند (بوردیو، ۸۷: ۱۳۹۰).

بازاندیشی

نقد خود و بازاندیشی شخصی از ویژگی‌های اساسی زندگی اجتماعی است. در جامعه مدرن انسان با اطلاعات تازه دائماً هویت خود را خلق و تصحیح می‌کند.

روابط دو جنس در سبک زندگی جدید به نسبت گذشته تغییر زیادی کرده است، در این روابط نگاه دو جنس به یکدیگر صرفاً حول روابط جنسی نمی‌چرخد و به دوستی و صمیمیت تبدیل می‌شود. «مشخصاً تفاوتی بین دوست‌های دختر و پسر نمی‌بینم، عادی است که با دوست‌های دخترم برم بیرون همون‌طور که برای خرید لباس یا کتاب با دوست‌پسرم میرم بیرون با دوست‌دخترم هم میرم بیرون، عادی است، تفاوت خاصی احساس نمی‌کنم» (مرد، ۲۲ ساله، دانشجو).

امکان آگاهی بچه‌ها در گذشته محدود و به همین جهت قابل کنترل بود، اما امروزه با وسایل ارتباطی و فناوری‌های پیشرفته که در اختیار بچه‌ها است، کنترل به شیوه سنتی ممکن نیست. «رمز موفقیت اینک کیف و موبایل بچه‌ها را چک نمی‌کنم این کار انرژی منفی به بچه وارد می‌کند. پسرم فیلم بدون دوبله می‌بیند، می‌خوام برم پیشش میگم ماما دارم میام، اگه چیزیه قطعش کن اگه احساس می‌کنی شرم می‌کنی که من ببینم» (زن، ۴۵، ۴۵ ساله، با مدرک کارشناسی ارشد)

دین با ایجاد همبستگی اجتماعی، فرد دین‌دار را به جماعت دینی متصل می‌کند، اما این سال‌ها دین‌داری با دخل و تصرف‌های بیشتر فردی و نوعی بازاندیشی همراه شده است. «از توی همه دین‌ها هر چیز خوبی باشد می‌گیرم، در یکی تساوی حقوق زن و مرد، در یکی» (زن، ۵۱، ۵۱ ساله، با مدرک کارشناسی ارشد).

تنگنای حوزه عمومی و مسدود بودن مسیر گفتمان انتقادی و عقلانی

از نظر هابرماس اهمیت باشگاه در امکان گفتگوی آزاد و عقلانی و بدون فشار است اما در تنگنای حوزه عمومی و انسداد مسیر گفتمان، مردم به حوزه خصوصی روی می‌آورند. هرچه دایره بایدها و نبایدهای اجتماعی وسعت یابد، فضا تنگ‌تر می‌شود و یاس جای شادابی را می‌گیرد، از این رو مردم نشاط از دست‌رفته در حوزه عمومی را در فضای خصوصی می‌جویند. «دغدغه‌های سیاسی و اجتماعی رایج، فضا را تنگ می‌کند. منظورم از فضای اجتماعی این است که کسی که کار فکری می‌کند آن‌قدر سرخورده می‌شود که فرصتی برای این کارها و خوش‌گذرانی ایجاد نمی‌کند» (مرد، ۲۲، ۲۲ ساله، دانشجوی)

مکان‌هایی که افراد یک جامعه بتوانند در آن با یکدیگر گفتگو کنند، نیاز اجتماعی است و باشگاه‌ها چنین امکانی را برای دیده شدن و شنیده شدن به دست می‌دهند. «قبلاً موسسه... که بود، جایی برای این محافل بود، اگر هنوز هم بود، اگر در کمان می‌کردند و موسسه بسته نمی‌شد، جایی داشتیم، بعد از انتخابات ۸ سال پیش بسته شد» (زن، ۳۲، ۳۲ ساله، با مدرک دکتری). یا «قبلاً تو دزفول باشگاه‌ها بود، یکی باشگاه فرهنگیان، باشگاه فرهنگیان که خانه معلم الآن است، شام می‌دادند، بازی می‌کردند، بعد سازمان آب و برق در سوم شعبان باشگاه ساخت. اونجا جمع می‌شدن» (زن، ۵۴، ۵۴ ساله، با مدرک کارشناسی).

از نظر هابرماس (۱۹۹۱) در حوزه عمومی باید امکان گفتگوی آزاد و انتقادی و عقلانی وجود داشته باشد. از نظر اطلاع‌رسانان فقدان چنین مواردی در حوزه عمومی دلیل قوت حوزه خصوصی است.

معنابخشی

معنا عنصری کلیدی در زندگی بشر است که به چرایی زندگی پاسخ می‌دهد؛ راه‌های گوناگونی برای معنابخشی به زندگی وجود دارد.

یادگیری به طور کلی پاسخی به برخی نیازهای اساسی بشر است. یکی از این اهداف معنابخش پرتکرار، درس خواندن است. «درس خواندن اقناع می‌کند مدارج بالای علمی، دکترا برام خیلی مهمه» (زن، ۲۶، ساله، با مدرک کارشناسی ارشد)

در گفتگوی سازنده بعدی از یادگیری مستتر است که به اطلاع‌رسانان احساس رضایت می‌دهد. گفتگو پایه ارتباط است و به شناخت راه می‌برد. «جایی که احساس خوبی دارم، جلسات سه‌شنبه در دانشگاه است، که با مشکلات موجود و حراست و مدیر گروه، ۲ ساعت، بین ۵۰ تا ۶۰ دانشجو در کلاس جمع می‌کردیم، خیلی هم جمع‌پروری نبود و چیز خاصی نمی‌گفتیم» (مرد، ۲۲، ساله، دانشجو)

کار تبلور موقعیت اجتماعی فرد است، به او یک نقش مشخص اجتماعی می‌دهد و خلاقیت و استقلال او را به دنبال دارد. کار به کنشگر اجتماعی کمک می‌کند تا دیده شود. «اصلی‌ترین چیزم کار کردن است» (زن، ۵۲، ساله، با مدرک دیپلم).

برای برخی خانواده‌های بزرگ‌ترین منبع معناست. «موفقیت بچه‌ها و به ثمر نشستنشون باعث رضایتم همیشه» (زن، ۴۵، ساله، با مدرک کارشناسی ارشد)

در سال‌های اخیر ورزش عنصر معنابخش زندگی افراد بسیاری شده است. ورزش و توجه به رژیم غذایی بدل به مناسکی مدرن در زندگی امروزی شده است. «توی رژیم غذاییم چربی نمی‌خورم، برنج سعی می‌کنم کم بخورم. توی سالاد به جای نمک سماق می‌ریزم. روغن کنجد استفاده می‌کنیم. پیاده‌روی طولانی میرم» (مرد، ۴۰، ساله، با مدرک دکتری)

نظریه معنادرمانی^۱ فرانکل و نظریه زندگی روزمره با اتکا در اندیشه‌های هلر، فیسک و لوفبور بر بعد معنابخشی زندگی روزمره توجه بسیار دارد (استوری، ۱۳۸۶: ۳-۱۸۲).

جنگ پارتیزانی در جبهه زندگی روزمره

جنگ‌وگریز در زندگی روزمره امری است که بر خود اطلاع‌رسانان نیز پوشیده نیست و در لابه‌لای کلامشان به این امر اشاره می‌کنند و روش‌های خود را در جبهه جنگ پارتیزانی زندگی روزمره برمی‌شمارند.

اگر زندگی روزمره را به جبهه جنگ پارتیزانی تشبیه کنیم، کنشگران به روش‌هایی نیاز دارند تا در برابر استراتژی حاکم به‌کارگیرند یکی از این روش‌ها صبر است. «زندگی به جور مبارزه و جدله، مثلاً در مورد شوهرم به مرور زمان یاد گرفتم که سعی کنم لج و لج بازی رو کنار بذارم، از حرف و گفتگو استفاده کنم، اول سعی کنم حرف اون پیش بیفته، بعد از حرف اون صبر کنم، صبر کردنی که باعث ضرر و عقب‌افتادگی زندگی‌ام میشه» (زن، ۴۶، ساله، با مدرک کارشناسی).

روش‌ها مترصد فرصت‌اند و به قول دوسرتو گاه می‌توانند بسیار مزورانه و فریبکارانه و در معنایی دیگر هوشمندانه باشند. «توی روزنامه‌ای که کار می‌کردم، نشریه اصلاً باب کیف

^۱ logotherapy

من نبود خط فکری‌اش را نمی‌پسندیدم. نشریه باب کیف من نبود ولی تریبونی بود که حرف‌هایم را که نه تملق‌اند و نه سیاسی می‌زد، حالا که یک فرصتی به هم داده شده و یک روزنامه ستونی در اختیارم قرار داده. البته اعتقاد ندارم به هر قیمتی قاطی جماعت متملقان بشوم» (زن، ۵۲، ساله، با مدرک کارشناسی ارشد).

یافتن راه‌های ظهور شخصیت، جایگزینی بر فقدان‌ها است. گونه‌ای جبران برای افراد که هم باعث بروز آنان و هم درمانشان می‌شود. «ادبیات کار می‌کنم و در شعر بروز می‌دهم، والایش را به کار می‌برم، فشار روحی و اجتماعی را در ادبیات والایش کردم» (مرد، ۳۰، ساله، مدرک کارشناسی ارشد)

گاهی باید با دیگری قدرتمند کنار آمد تا بتوان راهی جست. «بهترین راه‌حل، بعضی وقت‌ها سازگاریه. بیماری لاعلاجی داشته باشم که هیچ کارش نمیشه کرد، باید باش کنار اومد» (مرد، ۳۵، ساله، با مدرک کارشناسی ارشد)

گاه کمبودها کنشگران اجتماعی را بر آن می‌دارد که ریشه تمام مشکلات خود را در نداشتن پول بدانند و فکر و ذهن خود را درگیر داشتن پول بیشتر کنند در پول پناه گیرند و بهشت پولی خود را بسازند. «در مسائل، آدم مادی هستم. دغدغه اصلی‌ام مسائل مالی است. مصاحبه شما با آدم عادی نیست، با آدمی است که مسائل مالی برایش خیلی مهم است. اگر احساس نارضایتی هم دارم مال این است، تصمیم‌هایی می‌گیرم که برای دیگران عجیب است ولی حرف دیگران سرم اثر نمی‌ذاره، کسانی که در مقطعی سرزنشم می‌کردند وقتی کارم را انجام دادم، تحسینم می‌کنند» (زن، ۲۹، ساله، با مدرک کارشناسی ارشد)

پناه گرفتن در دنیای کتاب‌ها و مطالعه و دور شدن از هیاهوی زندگی واقعی راه دیگری است که برخی به آن روی می‌آورند. «تاب آوردن وضعیت مد نظر است و داشتن کورسوی امید با علایقی که داریم که فلسفه و ادبیات را پیگیری می‌کنم. چه خواننده متون بودن، چه به نوعی نویسنده یا مترجم آن‌ها بودن» (مرد، ۲۲، ساله، دانشجو).

تغییر نگاه و لبخند زدن در شرایط فشار اجتماعی، راه پیشنهادی برخی است. «روحیه خودم همیشه شارژه، انگیزه دارم، اینکه سالم بمانم، خوب تغذیه کنم، دید مثبت نسبت به مسائل و زندگی داشته باشم و با دید مثبت نگاه کنم، این روحیه منو خوب نگه می‌داره» (زن، ۵۲، ساله، با مدرک دیپلم).

گاه کنشگران با بازگشت به سنت‌ها و عناصر فرهنگی گذشته، در مقابل دنیایی که هویت آن‌ها را به رسمیت نمی‌شناسد، مقاومت می‌کنند. از جمله عناصر سنتی که در سبک زندگی مردم اقبالی دوباره یافته است، طب سنتی و دعانویسی است. «طب سنتی یه چیز خیلی جالب تو زندگی‌ام بود، آگاه شدم، آگاهی رو دوست دارم، شوهرم ۱۲ تا ۲۰ روز برای سرماخوردگی می‌افتاد. الآن ۸ ساله دیگه سرما نمی‌خوره، دفترچه‌های بیمه‌مون سفید سفیدن. مرتب مریض بودیم و دفترچه عوض می‌کردیم، الآن نه» (زن، ۴۵، ساله، با مدرک کارشناسی ارشد)

تحلیل یافته‌های پژوهش

با توجه به یافته‌ها می‌توان گفت هنگامی که کنشگران دریابند، نمی‌توانند روی چیزی بیرون از خودشان سرمایه‌گذاری کنند، به درون خویش برمی‌گردند و در درونشان سرمایه‌گذاری می‌کنند. در ناکارآمدی حوزه عمومی، کنشگران در سبک زندگی تغییراتی می‌دهند و به فربه کردن حوزه خصوصی می‌پردازند. هنگامی که قدرت سیاسی خیلی قوی می‌شود، کنشگران ناگزیرند دست به اقداماتی بزنند تا شرایط را تاب آورند و سپس در درازمدت وضعیت را دگرگون کنند. با تغییر سبک زندگی جهان درونی خود را بنا می‌کنند. شاید در نگاه نخست این راه‌حل به دلیل آنکه به نظر می‌رسد کنشگر رابطه خود را با عینیت از دست داده است؛ راه‌حلی موقتی و منفعلانه تعبیر شود؛ اما در معنای دیگر بیماری بخشی از فرایند درمان است و این تغییر نوعی ادامه حیات به گونه‌ای دیگر است که در نهایت تاریخ را به جلو می‌برد. در دیالکتیک حوزه عمومی و حوزه خصوصی با کم‌رنگ شدن یک‌طرف نامعادله به سمت طرف دیگر می‌چربد. می‌توان گفت هنگامی که قدرت حوزه عمومی را کنترل می‌کند و حوزه عمومی دولتی می‌شود، سبک زندگی عوض می‌شود و به سمت حوزه خصوصی تمایل می‌یابد.

زمانی که حوزه عمومی در دفاع از حقوق کنشگران در مقابل دست‌درازی قدرت سیاسی ناتوان می‌شود، مردم بی‌هیچ پناهی در برابر دستگاه قدرتمند دولت قرار می‌گیرند و فقدان حوزه عمومی بانشاط را درک می‌کنند از همین روی ماکتی از حوزه عمومی درون حوزه‌ی خصوصی بر پا می‌کنند. در شرایط عدم پویایی باشگاه‌ها و محافل دانشگاهی، حوزه خصوصی فضایی می‌شود برای گفتگو کتاب‌خوانی و در این معنا ما با گونه‌ای زیست زیر-زمینی روبه‌رو هستیم که گاه هنجارهای حاکم را به چالش می‌کشد.

کنشگران در میدان‌های مختلف با بهره‌گیری از سرمایه اقتصادی و فرهنگی تمایز را به نمایش می‌گذارند، عرصه‌های مختلف زندگی را بازاندیشی می‌کنند و در برابر نظم مسلط با کسب لذت، چهل‌تکه سازی در مصرف فرهنگی، زندگی ریزوم‌وار و هنر مقاومت می‌کنند. این مقاومت برای گروه‌های مختلف مذهبی، روشنفکر و عامه یکسان نیست طیف گسترده‌ای از کتاب‌خوانی تا قلیان‌کشی را در بردارد. به هر روی برای مقاومت روش‌های متفاوتی از تولید معنایی متضاد تا لغو هرگونه معنا و لذت‌گرایی وجود دارد.

گسترش حوزه خصوصی به اصالت یافتن مکان‌های غیررسمی و خودآفرینی می‌انجامد. در واقع عمل کنشگران منفعلانه و بیمارگونه نیست که به تعبیر لاکان هم نشان درد است و هم بخشی از فرایند درمان (ژیژک، ۱۳۸۴: ۱۸۹)، به عبارت دیگر با آزمون گونه‌های زیستن و ابداع تنوعاتی در زندگی (دلوز، ۲۰۰۴) و تغییر سبک زندگی، جهان‌بینی، ایدئولوژی و هستی‌شناسی فرد هم تغییر ایجاد می‌شود و در درازمدت حوزه عمومی فرهنگی و سیاسی نیز تحت تأثیر این فرایند تغییر قرار می‌گیرد. زندگی روزمره بستر معنایی است که از راه‌هایی چون درس خواندن، گفتگو، کار، خانواده، ورزش و رژیم غذایی دنبال می‌شود.

کنشگران در زندگی روزمره روش‌های گوناگونی به کار می‌بندند. گاه به جای نبرد با نظم مسلط با آن کنار می‌آیند و در زندگی تنوع درست می‌کنند. صبر، فریب، والایش، مثبت‌اندیشی، پناه‌گیری در سنگر پول، مطالعه و پاسداشت سنت‌های گذشته است که بر اساس یافته‌های تحقیق حاضر، در سبک‌های جدید زندگی به چشم می‌خورد. به این ترتیب کنشگران فضا را برای خود قابل تحمل می‌سازند اما در این میانه خود نیز دگرگون می‌شوند.

«اگر تاریخ را به خانه‌ای همانند کنیم، انسان‌ها تنها خشت‌های این خانه نیستند بلکه معمار و سازنده آن نیز هستند، وانگهی خانه برای آنان ساخته شده است و آنان در این خانه زندگی می‌کنند و می‌اندیشند و در و پیکر و هوای خانه را می‌بینند و حس می‌کنند... کسانی که در ساختن خانه دست‌ها و مغزهای خود را به کار می‌اندازند، در جریان کاری که می‌کنند، ذهن و احساس و روی هم‌رفته نهادشان دگرگون می‌شود و همراه آن دانش و آگاهی ایشان فزونی می‌یابد» (هگل ۱۳۸۷، ۱۸).

پژوهش حاضر پس از تحلیل یافته‌های میدانی سه نظریه مرتبط با هم را پیش می‌کشد: نظریه جبران اجتماعی، نظریه زندگی بی‌هوازی و نظریه خواب کنشگر اجتماعی. نظریه جبران اجتماعی بر این انگاره متکی است که کنشگران اجتماعی وقتی از نهادهای ناکارآمد عرصه عمومی سرخورده می‌شوند، عرصه خصوصی را رشد می‌دهند تا حوزه خصوصی بدیل و جبرانی شود بر آزادی اجتماعی و فرهنگی از دست‌رفته در حوزه عمومی. با مسدود شدن انتخاب‌های اجتماعی شرایطی ایجاد می‌شود که کنشگران اجتماعی که خود را در بند نظم مسلط می‌بینند، ناگزیر دست به اقداماتی زنند تا اوضاع پیش‌آمده را تاب آورند و با روش‌هایی که اتخاذ می‌کنند بازی را به نفع خود عوض کنند و در درازمدت وضعیت را دگرگون کنند. ایجاد تنوع در سبک زندگی راهی است که به کنشگران اجازه می‌دهد، تهدید را به فرصت تبدیل کنند و جهان درونی خود را بنا کنند. از دیگر نظریه‌هایی که بر مبنای یافته‌های این تحقیق می‌توانیم مطرح کنیم نظریه زندگی بی‌هوازی است که از زیست‌شناسی وام گرفته‌ایم.^۱ در این معنا کنشگران اجتماعی در شرایط غیرمناسب محیطی زنده اما غیرفعال هستند تا زمانی که شرایط محیطی برای

^۱ برخی باکتری‌ها در شرایط غیرمناسب محیطی زنده اما غیرفعال هستند تا زمانی که رطوبت و شرایط محیطی برای فعالیت آن‌ها فراهم شود. دانه‌های برخی گیاهان نیز شرایطی را تجربه می‌کند که خواب بذر نام دارد که به معنای نوعی استراحت و وقفه در رشد گیاه است که در واقع وسیله‌ای برای تطابق با عوامل محیطی نامناسب است. پوسته سخت و غیرقابل نفوذ گونه‌ای از این بذرها همچون یک محافظ است که نه تنها به مثابه عایقی در برابر رطوبت اولیه عمل می‌کند و مانع جذب رطوبت می‌شود بلکه کمک می‌کند تا ضربه‌های مکانیکی بر بذر تأثیری نگذارند که در نتیجه این امر دانه می‌تواند تا مدت‌ها زنده بماند و نابود نشود (گاردنر، ۱۳۸۵: ۲۸۶-۲۹۶).

فعالیت آن‌ها فراهم شود. یعنی کنشگران اجتماعی نوعی زندگی بی‌هوازی را تجربه می‌کنند تا زمان مناسب برای فعالیتشان فراهم شود. نظریه خواب کنشگر اجتماعی که بی‌شبهت به نظریه خواب بذر در رشته‌ی کشاورزی نیست، شرایطی از استراحت، وقفه و سکون را در تجربه‌ی کنشگر اجتماعی نشان می‌دهد که در واقع وسیله‌ای برای تطابق با عوامل محیطی نامناسب است و همچون یک محافظ در برابر فشار اجتماعی عمل می‌کند که در نتیجه این امر کنشگر اجتماعی می‌تواند در شرایط نامساعد اجتماعی دوام آورد و بقا یابد. در واقع خواب زمستانی آن‌ها گونه‌ای آماده‌سازی و ادامه حیات است. کنشگران اجتماعی همچون ریشه‌های فرعی گیاه به صورت افقی رشد می‌کنند و حتی با قطع بخشی از ساقه نمی‌خشکند و همان‌جا در زیر خاک گسترش می‌یابند و جوانه‌های تازه ایجاد می‌کند حتی اگر تماماً شکسته یا ازهم‌گسسته شود باز هم می‌تواند حیات خود را از سر بگیرد و در جهات دیگری رشد کند و پیش روند (دلوز، ۱۹۹۵: ۱۴۹).

نتیجه‌گیری

کاوش تجربه زیسته اطلاع‌رسانان ما را به این نتیجه رساند؛ هنگامی که حوزه عمومی با نیازهای درونی آدمی هماهنگ نباشد و او را دچار سرخوردگی کند وی از بن‌بست حوزه عمومی به تنهایی خویش بازمی‌گردد تا در این خلوت و تنهایی راه‌هایی برای غلبه بر وضع موجود ابداع کند. کنشگران اجتماعی می‌آموزند سخت و محکم در برابر مشکلات موجود قد علم نکنند پس مشکل را دور می‌زنند و بازی را عوض می‌کنند. راه انتخابی آنان ایجاد تنوع در زندگی، پرداختن به خود و ساختن دنیای خویش است. راهی برای بقا و زیست که از میانه بنای جهانی درونی و سروری در جهان خودساخته حوزه خصوصی گذر می‌کند که در درازمدت هم می‌تواند بر کل نظام اجتماعی اثر گذارد.

در سال‌های اخیر مراکز دانشگاهی دزفول رشد قابل ملاحظه‌ای داشته‌اند و نباید از نظر دور داشت که دزفول شهری مهاجرپذیر هست. وجود عواملی چون دانشگاه‌های متعدد و مهاجرپذیری، عناصر فرهنگی جدیدی را وارد این جامعه می‌کند؛ اما هنوز هم دنیای بیرون وجوه سنتی خود را حفظ کرده است و در برابر عناصر جدید می‌ایستد، بسته بودن این فضای بیرونی باعث پس راندن عناصر جدید به پشت پرده حوزه خصوصی می‌شود.

گاه مرز حوزه‌های خصوصی و عمومی روشن نیست و این مفاهیم همپوشانی و تداخل دارند؛ اما به هر روی حوزه عمومی قدرتمند در جامعه وجود ندارد. حوزه‌ای که بتواند دولت را کنترل کند. پس چنین تفکیکی میان خصوصی و عمومی به لحاظ نظری به ما کمک می‌کند تغییر پیش‌آمده در سبک زندگی را بهتر ببینیم. تغییری که روی به سوی دنیای امن درونی و خصوصی دارد. تأمل در درون با پناه بردن به حوزه خصوصی در واکنش به حوزه عمومی، سبک‌های نوینی از زندگی را در دزفول در پی داشته است. هنگامی که گفتمان انتقادی و عقلانی در حوزه عمومی به رسمیت شناخته نشود، حوزه خصوصی شکل می‌گیرد که کنشگران اجتماعی در این حوزه خودآفرینی می‌کنند چرا که زندگی روزمره

بستر معنایی است. کنشگران در عرصه‌های مختلف سبک‌های نو زندگی خویش، بازاندیشی می‌کنند و گاه با کمک سرمایه اقتصادی و سرمایه فرهنگی خود را متمایز می‌کنند و در عین حال در برابر نظم مسلط مقاومت می‌کنند.



منابع

- اباذری، یوسفعلی، صادقی فسایی، سهیلا، حمیدی، نفیسه (۱۳۸۷). «احساس ناامنی در تجربه زنانه از زندگی روزمره»، *پژوهش زنان*، دوره ۶، شماره ۱، صص: ۷۵-۱۰۳.
- استوری، جان (۱۳۸۶). *مطالعات فرهنگی درباره فرهنگ عامه*، ترجمه حسین پاینده، تهران: نشر آگه.
- انصاری، منصور (۱۳۷۹). *هانا آرت و نقد فلسفه سیاسی*، تهران: نشر مرکز.
- برلین، آیزیا (۱۳۸۵). *ریشه‌های رمانتیسم*، ترجمه عبدالله کوثری، تهران: نشر ماهی.
- بورديو، پی‌یر (۱۳۹۰). *تمایز، نقد اجتماعی قضاوت‌های ذوقی*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر ثالث.
- پل ویلم، ژان (۱۳۷۷). *جامعه‌شناسی ادیان*، ترجمه عبدالرحیم گواهی، نقد و بررسی محمدتقی جعفری، تهران: مؤسسه فرهنگی و انتشاراتی تبیان.
- حافظ شیرازی، شمس‌الدین محمد (۱۳۶۲). *گردآورنده و مصحح عبدالرحیم خلخالی*. تهران: نشر کتاب‌فروشی حافظ.
- جلائی‌پور، حمیدرضا؛ محمدی، جمال (۱۳۸۷). *نظریه‌های متأخر جامعه‌شناسی*، تهران: نی.
- خاتم، اعظم (۱۳۸۶). «تغییر نقش زنان در حوزه عمومی و خصوصی»، *بازتاب اندیشه*، دوره-شماره ۸۷، صص: ۳۶-۴۶.
- دی‌کارسن، بنیامین (۱۳۸۵). «به سوی هنر سیاسی پسامدرن: دلوز، گتاری و کتاب ضد فرهنگ»، ترجمه ماندانا منصوری، *مجله زیبا شناخت*، سال ۶، شماره ۱۵، صص ۱۱۳-۱۳۲.
- رورتی، ریچارد (۱۳۸۵). *پیشامد، بازی و همبستگی*، ترجمه پیام یزدان‌جو، تهران: نشر مرکز.
- ژیژک، اسلاوی (۱۳۸۴). «چه می‌خواهی درباره ژاک لاکان»، *در گزیده‌ی مقالات: نظریه، سیاست، دین*، ترجمه مازیار اسلامی، تهران: کام‌نو.
- سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵، پنج‌شنبه ۹۶/۱۰/۷.
- قاضی نژاد، مریم؛ شاکری، فرشته (۱۳۹۱). «بررسی و تحلیل جامعه‌شناختی ترس از جرم و رفتارهای غیرمردنی در میان زنان شهر تهران (با تأکید بر هویت جنسی و هویت مدنی)»، *مسائل اجتماعی (دانشگاه خوارزمی)*، دوره ۳، شماره ۲، صص: ۱۸۱-۲۰۲.
- عنایت، حلیمه؛ سروش، مریم (۱۳۸۸). «میزان و نوع مقاومت زنان در رویارویی با ساختار قدرت در زندگی روزمره»، *پژوهش زنان*، دوره ۷، شماره ۲، صص: ۸۵-۱۱۲.
- فرانکل، ویکتور (۱۳۸۴). *انسان در جستجوی معنا*، ترجمه اکبر معارفی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- گاردنر، فرانکلین پی. آربرنت پی‌یرس و راجرال میشل (۱۳۸۵). *فیزیولوژی گیاهان زراعی*، ترجمه عوض کوچکی و غلامحسین سرمندیا، مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۸). *تجدد و تشخیص*، ترجمه‌ی ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
- هگل، گئورگ ویلهلم فردریش (۱۳۸۷). *خدایگان و بنده*، با تفسیر الکساندر کوژو، ترجمه حمید عنایت، تهران: انتشارات خوارزمی.
- هگل، گئورگ ویلهلم فردریش (۱۳۹۰). *پدیدارشناسی جان*، ترجمه باقر پرهام، تهران: انتشارات کندوکاو.

- Clark, John (1976). *Style In Resistance Through Rituals: Youth Subcultures in Post-war Britain*. London: Routledge.
- Chaney, David (2002). *Life style*. London and New York: Routledge
- De Certeau, M. (1988). *The practice of everyday life*. Translated by Steven Rendall. Berkeley, Calif.
- Diekelmann, N. Allen, D. & Tanner, C. A. (1989). *The NLN criteria for appraisal of baccalaureate programs: A critical hermeneutic analysis* (No. 15). Natl League for Nursing Pr.
- Deleuze, G. (1995). *Negotiations, 1972-1990*. Columbia University Press.
- Deleuze, G. (2004). *Desert Islands: And Other Texts*. Retrieved at 24/5/2013 From (<http://orkney-solstice.wikispaces.com/file/view/Desert+Islands.pdf>).
- Deleuze, G. & Guattari, F. (1987). Introduction: rhizome. *A thousand plateaus: Capitalism and schizophrenia*, 3-25.
- Fiske, John (1989). *Understanding Popular Culture*. London: Unwin Hyman.
- Hebdige, Dick (1979). *SubCulture, the meaning of Style*. London: Methuen.
- Heidegger, Martin (1962). *Being and time*. New York: Harper. (Original work published 1927).
- Habermas, Jurgen (1991). *The Structural Transformation of the Public Sphere: An Inquiry Into a Category of Bourgeois Society*. Translated by: Thomas Berger, Cambridge, Massachusetts: MIT Press.
- Habermas, Jurgen (1996). *Between Facts and Norms: Contributions to a Discourse Theory of Law and Democracy*. Studies in Contemporary German Social Thought. Translated by: William Rehg, Cambridge: Polity Press.
- Laughey, D. (2007). *Key themes in media theory*. McGraw-Hill Education (UK)
- Lefebvre, H. (1991). *The production of space*, translated by Donald Nicholson-Smith.
- Moran, J. (2005). *Reading the Everyday*, Abingdon.
- Renault, Mary (1983). *The Nature of Alexander the Great*. London: Penguin Books
- Saunders, M. Lewis, P. & Thornhill, A. (2007). *Research Methods for Business Students* (Harlow: Pearson Educated Limited.).